



اندیشه اسلامی ۲

آیت الله جعفر سبحانی دکتر محمد محمدرضایی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب کتاب

سیزده

مقدمه

۱	فصل اول: پیشینه دین و پیامبری
۱	هدف کلی
۱	اهداف رفتاری
۱	الف) تعریف دین و پیشینه آن در تاریخ
۱	تعریف دین
۲	تعریف دین از دیدگاه قرآن
۲	پیشینه دین در تاریخ
۲	فطری بودن دین
۲	مراتب دین
۳	ب) یهودیت و مسیحیت: پیدایش و سرنوشت آنها
۳	پیدایش و فرجام یهودیت
۷	پیدایش صهیونیسم و تأسیس دولت اسرائیل
۸	پیدایش و فرجام مسیحیت
۱۱	ج) آشنایی با کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) و مقایسه آن با قرآن
۱۱	کتاب مقدس و بخش‌های تشکیل‌دهنده آن
۱۲	۱. عهد قدیم
۱۴	۲. عهد جدید
۱۴	۱. زندگینامه و سخنان حضرت عیسی علیه السلام
۱۵	۲. تبلیغات و مسافرت‌های تبلیغی مبلغان مسیحی
۱۵	۳. نامه‌ها
۱۵	۴. رؤیا و مکاشفه

۱۵	اعتبار کتاب مقدس از دیدگاه متفکران یهودی و مسیحی
۱۷	دیدگاه قرآن در باب کتاب مقدس
۱۹	(د) تأثیر مسیحیت بر جامعه غربی در مقایسه با تأثیر اسلام بر پیدایش تمدن اسلامی
۱۹	۱. تأثیر حاکمیت مسیحیت بر جامعه غرب
۲۰	۲. تأثیر اسلام در پیشرفت تمدن اسلامی
۲۰	یک. تشویق اسلام به فراگیری علم
۲۰	در قلمرو صنعت کاغذ
۲۱	در قلمرو شیمی
۲۱	در قلمرو صنعت
۲۱	در قلمرو ریاضیات
۲۱	در قلمرو پزشکی
۲۲	دو. بسط عدالت
۲۳	عدالت در داوری
۲۳	عدالت در برابر قانون
۲۳	عدالت در حوزه اقتصاد
۲۳	عدالت در امور معنوی و مادی
۲۴	سه. مدارا و همزیستی مسالمت آمیز
۲۶	خودآزمایی فصل اول
۲۷	برای پژوهش
۲۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۹	فصل دوم: اهداف، ابعاد و قلمرو دین
۲۹	هدف کلی
۲۹	اهداف رفتاری
۲۹	الف) ضرورت وحی و پیامبری
۲۹	مقدمه
۳۰	ضرورت نبوت
۳۳	اهداف بعثت انبیا
۳۳	۱. یادآوری فطریات
۳۴	۲. آزاد کردن انسان از قید و بندهای نادرست
۳۴	۳. دعوت به توحید
۳۵	۴. برپایی قسط و عدالت در جامعه بشری
۳۵	۵. آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر آنان
۳۵	۶. پشارت و انذار
۳۶	۷. علاج امراض روحی
۳۶	۸. به کمال رساندن فضایل اخلاقی
۳۷	معنای وحی
۳۷	انواع وحی
۳۸	تفسیرهای ناروا از وحی

۴۰	ب) معجزه انبیا
۴۰	معنای معجزه
۴۰	برای مطالعه بیشتر
۴۰	معجزه و قوانین عقلی
۴۱	۱. علت طبیعی عادی و متعارف
۴۱	۲. علت طبیعی غیر عادی و ناشناخته
۴۱	۳. تأثیر نفوس و ارواح
۴۲	۴. علل غیرمادی
۴۲	ج) عصمت انبیا
۴۲	معنای عصمت
۴۳	اقسام عصمت
۴۳	۱. عصمت انبیا در مقام دریافت، حفظ و ابلاغ وحی
۴۳	دلیل عقلی
۴۳	دلیل نقلی
۴۴	۲. عصمت از معصیت و گناه
۴۴	دلیل عقلی
۴۵	دلیل نقلی
۴۶	۳. عصمت در امور فردی و اجتماعی
۴۶	عامل و منشأ عصمت
۴۷	عصمت و اختیار
۴۸	د) نقش دین در زندگی دنیایی
۴۹	۱. جامعیت و کمال دین
۵۰	شبهات
۵۱	۲. سکولاریسم
۵۲	تعریف سکولاریسم
۵۲	زمینه‌ها و عوامل پیدایش سکولاریسم
۵۲	یک. متون مقدس و منابع اولیه دینی
۵۳	جدایی دین از سیاست
۵۳	نبود قوانین اجتماعی و حکومتی
۵۴	ناسازگاری آموزه‌های کلامی و فلسفی مسیحیت با عقل و علوم تجربی
۵۵	دو. رفتار و برخورد نادرست متولیان کلیسا
۵۵	فساد اخلاقی
۵۶	برخوردهای خشن با دانشمندان
۵۶	مبانی سکولاریسم
۵۷	یک. علم‌گرایی
۵۸	دو. عقل‌گرایی
۵۸	آموزه‌های مسیحیت
۵۸	تعابیر متفکران بزرگ مسیحی
۵۹	برخورد نادرست کلیسا با متفکران و فیلسوفان

۵۹	نقد و بررسی
۵۹	نقد علم گرایی
۶۰	نقد عقل گرایی
۶۱	دیدگاه اسلام در باب سکولاریسم
۶۲	۳. لیبرالیسم
۶۲	معنای لغوی و اصطلاحی
۶۳	زمینه های شکل گیری لیبرالیسم
۶۳	مبانی و ارزش های لیبرالیسم
۶۳	یک. فردگرایی
۶۴	دو. آزادی
۶۴	سه. عقل گرایی
۶۵	چهار. عدالت و برابری حقوق انسان ها
۶۵	پنج. تساهل
۶۶	نقد و بررسی
۷۱	ه) گوهر مشترک دین و راز تعدد شریعت ها
۷۱	گوهر مشترک دین
۷۱	راز تعدد شرایع
۷۱	راز جاودانگی و حقانیت شریعت اسلام
۷۳	۱. حجیت و حکم عقل
۷۳	۲. قاعده اهم و مهم
۷۳	۳. گشوده بودن باب اجتهاد
۷۳	۴. پیروی از قواعد حاکمه فقهی
۷۴	کثرت گرایی دینی و گوهر مشترک
۷۴	۱. حقانیت و نجات بخشی مطلق یک دین (انحصارگرایی)
۷۶	۲. شمول گرایی
۷۷	۳. کثرت گرایی
۸۰	و) رابطه علم و دین
۸۰	مقدمه
۸۰	تعریف علم
۸۰	تعریف دین
۸۱	ویژگی های علوم تجربی
۸۳	دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی
۸۵	انواع رابطه علم و دین
۸۵	۱. علم و دین، دو شیوه بیان یک واقعیت
۸۶	۲. علم، تأییدکننده دین
۸۶	۳. علم و دین، مکمل یکدیگر
۸۸	۴. ناسازگاری علم و دین
۹۰	۵. جدایی کامل حوزه علم از دین
۹۰	برای مطالعه بیشتر

۹۰	۱. دیدگاه نوآر تودکسی
۹۰	۲. دیدگاه اگزستانسیالیستی
۹۱	۳. دیدگاه فیلسوفان تحلیل زبانی
۹۱	۴. دیدگاه کانتی
۹۲	نقد و بررسی
۹۳	نتیجه گیری
۹۳	خودآزمایی فصل دوم
۹۴	برای پژوهش
۹۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۹۷	فصل سوم: شناخت اسلام
۹۷	هدف کلی
۹۷	اهداف رفتاری
۹۷	مقدمه
۹۷	تعریف اسلام
۹۸	الف) قرآن و سنت
۹۸	۱. قرآن
۱۰۰	ابعاد اعجاز قرآن
۱۰۰	یک. فصاحت و بلاغت
۱۰۱	دو. اعجاز قرآن از نظر معارف الهی
۱۰۲	سه. اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا
۱۰۳	چهار. اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش
۱۰۳	حرکت زمین
۱۰۴	تلقیح نباتات به وسیله باد
۱۰۵	جاذبه عمومی
۱۰۶	پنج. اعجاز قرآن از نظر خبرهای غیبی
۱۰۶	ناتوانی انسان ها از معارضه با قرآن
۱۰۶	پیروزی رومیان پس از مدتی کوتاه
۱۰۷	پیروزی پیامبر بر مشرکان
۱۰۸	خبر بازگشت پیامبر به مکه
۱۰۸	مصونیت قرآن از تحریف
۱۰۹	برخی از دلایل تحریف ناپذیری قرآن
۱۱۰	۲. سنت
۱۱۰	تعریف سنت
۱۱۱	حجیت سنت
۱۱۳	ب) عقل و جایگاه آن در شناخت دین
۱۱۳	جایگاه عقل
۱۱۳	عقل در اصطلاح
۱۱۳	تقسیمات عقل

۱۱۴	حجیت عقل
۱۱۶	رابطه عقل و دین
۱۱۸	ج) خاتمیت
۱۱۸	خاتمیت در قرآن
۱۲۲	خاتمیت در روایات اسلامی
۱۲۳	شبهات درباره خاتمیت
۱۲۳	۱. خاتمیت، پایان حاکمیت دوره غریزه
۱۲۴	۲. خاتمیت، پایان دوران ولایت شخصی
۱۲۶	۳. ناسازگاری خاتمیت با مرجعیت علمی امامان معصوم
۱۲۷	د) روش فهم دین
۱۲۷	فهم‌پذیری دین
۱۲۸	روشنمند بودن فهم دین
۱۲۸	۱. آگاهی از قواعد زبان عربی
۱۲۹	۲. آگاهی از معانی الفاظ قرآن
۱۲۹	۳. تفسیر قرآن به قرآن
۱۲۹	۴. مراجعه به احادیث صحیح
۱۲۹	۵. توجه به شأن نزول آیات
۱۳۰	۶. آگاهی از تاریخ محیط نزول قرآن
۱۳۰	۷. شناخت آیات مکی و مدنی
۱۳۰	۸. پرهیز از هر نوع پیش‌داوری
۱۳۰	برای مطالعه بیشتر
۱۳۰	تکامل‌پذیری فهم دین
۱۳۱	نقد و بررسی
۱۳۲	خودآزمایی فصل سوم
۱۳۳	برای پژوهش
۱۳۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۳۵	فصل چهارم: امامت و ولایت
۱۳۵	هدف کلی
۱۳۵	اهداف رفتاری
۱۳۵	الف) معنای امامت و ولایت
۱۳۷	تاریخ‌پیدایش اختلاف در مسئله امامت
۱۳۷	دستاوردهای بحث در باب امامت
۱۳۹	نیاز به وجود امام
۱۴۴	ب) ادله نصب و عصمت امامان
۱۴۴	۱. دلایل نصب
۱۴۴	دلایل قرآنی
۱۴۴	یک. آیه انذار
۱۴۶	دو. آیه ولایت

۱۴۸	سه. آیه تبلیغ
۱۵۲	دلایل روایی
۱۵۲	یک. حدیث منزلت
۱۵۴	دو. حدیث سفینه
۱۵۴	سه. امامان دوازده گانه
۱۵۵	۲. عصمت امامان
۱۵۵	دلایل عصمت
۱۵۷	محبت به اهل بیت
۱۵۸	(ج) مهدویت
۱۶۰	قرآن و غیبت
۱۶۰	راز غیبت
۱۶۱	طول عمر حضرت مهدی (عج)
۱۶۲	هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)
۱۶۲	معنای انتظار
۱۶۴	سیمای جامعه انسانی در عصر ظهور
۱۶۵	خودآزمایی فصل چهارم
۱۶۷	برای پژوهش
۱۶۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۶۹	فصل پنجم: مرجعیت و ولایت در عصر غیبت
۱۶۹	هدف کلی
۱۶۹	اهداف رفتاری
۱۶۹	الف) ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	یک. وحدت مسلمانان بدون حکومت امکان پذیر نیست
۱۷۱	دو. اجرای قوانین اسلام مستلزم تشکیل حکومت است
۱۷۱	معنای ولایت فقیه
۱۷۲	پیشینه تاریخی ولایت فقیه
۱۷۵	اهداف و وظایف حکومت ولی فقیه
۱۷۷	ب) ولی فقیه
۱۷۸	ویژگی های ولی فقیه
۱۷۸	۱. آگاهی از قانون اسلام
۱۷۹	۲. ایمان و اسلام
۱۸۰	۳. کاردانی
۱۸۰	۴. عدالت
۱۸۱	۵. آراستگی به فضایل اخلاقی و آلوده نبودن به خصلت های ناپسند
۱۸۲	ادله ولایت ولی فقیه
۱۸۲	دلیل عقلی
۱۸۲	دلایل نقلی

۱۸۵	ج) مبنای مشروعیت ولایت فقیه
۱۸۵	منشأ مشروعیت
۱۸۶	نقش و جایگاه مردم در نظام ولایت فقیه
۱۸۷	انتصاب یا انتخاب
۱۸۸	ولایت یا وکالت
۱۸۹	نقد و بررسی
۱۹۰	خودآزمایی فصل پنجم
۱۹۱	برای پژوهش
۱۹۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۹۳	منابع

مقدمه

دیرینه‌ترین آثاری که باستان‌شناسان به آن دست یافته‌اند، بر آن دلالت دارد که زندگی انسان پیوسته با دین و دینداری همراه بوده است، هرچند این پدیده در هر عصر و قاره‌ای به صورتی خاص جلوه‌گر شده است. قرآن نیز بر آن است که در طول تاریخ برحسب شرایط زمانی و مکانی مختلف و به تعبیری متناسب با استعدادهای امت‌ها، جلوه دین که همان اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است، به شکل شریعت‌های مختلف بروز یافته است. هر یک از شرایع پیشین، در زمان خود کامل‌ترین بوده، اما درعین حال شریعت‌های مختلف همانند کلاس‌های یک دوره تحصیلی بوده‌اند که آخرین و کامل‌ترین آن‌ها شریعت اسلام است که پیامبر گرامی آن را عرضه نموده است.

اسلام با معجزه جاوید خود، قرآن، از روز نخست، دعوت به فطرت و خرد را اساس آیین خود دانست. شریعتی که با خواست‌های درونی انسان هماهنگ است و بر عقل تأکید می‌ورزد، باید پیوسته و جاودانه باشد و رمز جاودانگی اسلام نیز در همین عامل نهفته است.

قرآن نیز داروی شفابخشی است که تزکیه انسان‌ها را همت خود قرارداده و نور پرفروغی است که هیچ‌گاه به خاموشی نمی‌گراید و در واقع از همین روست که برای همیشه هدایتگر انسان‌هاست.

اما قرآن و دستورهای آن مانند قانون اساسی، مشتمل بر کلیاتی است که به تفسیر و تبیین و اجرا نیاز دارد که خداوند انجام این وظیفه را ابتدا برعهده پیامبر اسلام و سپس

امامان معصوم نهاده است. پیامبر در روایتی، پیروی از دو چیز را پس از خود مایه هدایت امت اسلام می‌داند: قرآن و عترت و اهل‌بیتش. مادامی که مسلمانان به آن دو تمسک جویند، از گمراهی ایمن‌اند که این خود به تلازم قرآن و اهل‌بیت که تبیین‌گر و اجراکننده آموزه‌های قرآنی‌اند، اشارتی لطیف دارد.

اسلام که پاسخگوی تمام نیازهای آدمی است، در عصر غیبت حضرت ولی‌عصر(عج) نیز درمورد تبیین و اجرای دستورهای قرآنی و سنت معصومین و تدبیر حاکمیت مسلمانان دستور خاصی دارد. اسلام این وظیفه را برعهده عالمان و فقیهان جامع‌الشرایطی می‌داند که شایستگی انجام این وظیفه را دارند. اهداف آنان چیزی جز اهداف پیامبر و امامان معصوم نیست و به تعبیری ولایت آنان، پرتوی از ولایت پیامبر و امامان معصوم است. البته تحقق چنین حاکمیتی در عصر غیبت نیازمند رضایتمندی و موافقت و پیروی مردم است.

در کتاب اندیشه اسلامی (۲) با توجه به سرفصل‌های مصوب، کوشیده‌ایم تا حد ممکن به بحث‌ها و مسائل مطرح و جدید نیز اشاره شود. ازاین‌رو، از تمامی استادان و صاحب‌نظران و دانشجویان محترم تقاضا داریم با پیشنهادهای اصلاحی خود، هرچه بیشتر بر غنای این کتاب بیفزایند.

در پایان زحمات بی‌شائبه تمام دست‌اندرکاران مرکز برنامه‌ریزی و متون درسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها که در تولید این اثر نقش‌آفرین بوده‌اند، به‌ویژه از تلاش‌های رئیس مرکز و مدیر پژوهش گروه مبانی نظری اسلام که یاریگر ما بودند، را ارج می‌نهیم.

جعفر سبحانی - محمد محمدرضایی

اردیبهشت ۱۳۸۶

فصل اول

پیشینه دین و پیامبری

هدف کلی

آشنایی دانشجو با تعریف، پیشینه و اقسام ادیان الهی

اهداف رفتاری

از دانشجو انتظار می‌رود با مطالعه این فصل بتواند:

۱. دین را تعریف کند.
۲. پیشینه‌ی دین را در گسترده تاریخ بیان نماید.
۳. پیدایش و سرنوشت یهودیت و مسیحیت را تشریح کند.
۴. با کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) آشنا شده و آن را با قرآن مقایسه نماید.
۵. تأثیر مسیحیت بر جامعه غربی را با تأثیر اسلام بر تمدن اسلامی را تبیین کند.

الف) تعریف دین و پیشینه آن در تاریخ

تعریف دین

دین در لغت به معنای فرمانبرداری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا و در اصطلاح، مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسان‌ها نازل فرموده و دارای ابعاد مختلفی نظیر بعد شناختی و آموزه‌ای، اخلاقی، فردی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی و جزایی، احساسی و روانی و آرمانی است. اگر چنین دینی بدون تحریف باشد، دین حق و اگر بخشی از آن تحریف شده باشد، دین باطل نام می‌گیرد.

تعریف دین از دیدگاه قرآن

دین در نزد خدا اسلام است؛ یعنی تسلیم در برابر خدا بودن، از این رو هر کس جز دین اسلام دین دیگری را طلب کند و پیرو آن گردد، هرگز از وی پذیرفته نیست.^۱

پیشینه دین در تاریخ

تاریخ دین حق - که همان دین اسلام می باشد - هم زمان با پیدایش انسان بوده است. هنگامی که تنها حضرت آدم و حوا می زیستند، حضرت آدم پیامبر الهی بود و پیام های الهی بر وی نازل می شد. البته دین ایشان بسیار ساده و مشتمل بر کلیاتی چند بوده است؛ از جمله یکتاپرستی، باور به معاد و زندگی ابدی، اعتقاد به بعثت پیامبران از سوی خدا برای هدایت بشر و تعدادی از قواعد اخلاقی و احکام عملی.

فطری بودن دین

دین امری فطری است؛ بدین معنا که دین مجموعه اعتقادات و اعمالی است که فطرت و ساختار وجودی آدمی آن را اقتضا می کند و در پرورش استعداد های آدمی مؤثر است. بی شک توحید، نبوت و معاد به عنوان عناصر اصلی دین، اقتضای وجود آدمی است. معرفت و گرایش به خدا در نهاد آدمی سرشته شده و از آن جدایی ناپذیر است. میل به جاودانه زیستن و میل به راحتی مطلق که در عالم آخرت میسر است، نیز میلی فطری می باشد. این در حالی است که کلیات تعالیم و دستورهای دینی از جمله عبادات و پرستش خداوند و یا فرمان هایی برای تنظیم روابط اجتماعی، مطابق با فطرت و ساختار وجود آدمی است و از این روست که هر کس از فطرت خود فاصله نگرفته، با کمال میل به آن گردن می نهد. بنابراین فطری بودن دین، یعنی مطابق بودن محتوای دین با ساختار وجودی انسان.

مراتب دین

شریعت ها و مذاهب، در طول تاریخ، دارای حقیقت واحدی هستند که همان اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است. اختلاف آنها نیز بر حسب درجات کمال است که در

۱. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا...» (آل عمران (۳): ۱۹).

استعدادهای امت‌های گذشته و آینده ریشه دارد. به تعبیری شرایع مختلف مانند سال‌های مختلف یک دوره تحصیلی و یا مانند مراحل درمان یک بیماری است. همه مراحل درمانی که پزشک تجویز می‌کند، دارای هدف مشترک و واحدی است. بی‌گمان شرایط و زمان و طبیعت بیمار، چنین مراحل را اقتضا کرده است. از این روست که قرآن می‌فرماید:

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا بُرَى هِر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم.^۱

همه این شریعت‌ها و روش‌ها، راه‌هایی برای رسیدن به اصول و اهداف کلی هستند که فراخور استعدادهای امت‌ها و مقام انبیا شکل گرفته است. این راه‌ها مکمل هم‌اند، نه ناسازگار باهم. نخستین راه و روش صحیح را حضرت آدم علیه السلام به فرزندان خود آموخت. خداوند نیز به وسیله نوح علیه السلام اولین شریعت را برای هدایت انسان‌ها نازل فرمود. آخرین و کامل‌ترین شریعت‌ها نیز شریعت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

ب) یهودیت و مسیحیت: پیدایش و سرنوشت آنها

پیدایش و فرجام یهودیت

یهودیت عنوان دین حضرت موسی علیه السلام، از پیامبران بزرگ الهی، است. قومی که این دین را از آن خود می‌داند، قوم اسرائیل است. اسرائیل یکی از نام‌های یعقوب علیه السلام از نوادگان حضرت ابراهیم علیه السلام است. از همین روی، این قوم که نیای بزرگ خود را ابراهیم علیه السلام می‌داند، خود را قوم اسرائیل یا بنی اسرائیل می‌خواند. حضرت یعقوب علیه السلام دوازده پسر داشت که همگی به بنی اسرائیل معروف شدند. عنوان دیگری که برای این قوم به کار رفته، عبرانیان یا قوم عبرانی است. زبان مخصوص این دین، زبان عبری نیز برگرفته از همین نام است. برخی دانشمندان معتقدند نام «عبرانی» را کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم علیه السلام به سرزمین کنعان بر او نهاده و وی را عبرانی خوانده‌اند این نام بعدها جزو القاب او شد و لقب مذکور در خاندان وی باقی ماند. عبرانی از ماده «ع ب ر» به معنای گذر کردن از نهر می‌آید؛ بدین اعتبار که حضرت ابراهیم علیه السلام از رود فرات عبور کرد و وارد کنعان شد.

پاره‌ای نیز بر این باورند که عبرانی منسوب به عابر، نیای حضرت ابراهیم علیه السلام است.^۱ در دوران فرمانروایی حضرت یوسف علیه السلام، حضرت یعقوب علیه السلام با فرزندان خود به مصر آمد و یوسف علیه السلام با موقعیتی که در مصر داشت، آنان را از رنج قحطی رهاوند. در این زمان، به گفته تورات، افراد خاندان اسرائیل هفتاد تن بودند. جمعیت بنی اسرائیل به سرعت رو به فزونی نهاد و دوازده قبیله بنی اسرائیل که در اصطلاح «اسباط» نامیده شدند، در علوم و فنون پیشرفت کردند. این امر موجب وحشت فراعنه مصر (رامسیس دوم) گردید و از همین رو آنان مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. همچنین کاهنان به آن‌ها گفته بودند قدرت آنان توسط فردی که از بنی اسرائیل متولد خواهد شد، نابود می‌گردد. ازاین‌رو، فرعون مصر به قابله‌های اسرائیلی دستور داد پسران را هنگام تولد بکشند، ولی دختران را زنده نگاه دارند.

اما مشیت الهی به این تعلق گرفته بود که حضرت موسی علیه السلام در چنین اوضاعی متولد شود و در دربار فرعون پرورش یابد تا هم قوم بنی اسرائیل را نجات دهد و هم فرعون و پیروان او را نابود سازد.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام متولد شد، خداوند به مادر موسی الهام کرد او را در صندوقی قرار دهد و به امواج رود نیل بسپارد. لحظاتی بعد فرعون و همسرش صندوق را از آب گرفتند و توجه آن‌ها به کودک جلب شد. همسر فرعون مانع کشتن کودک شد و گفت: شاید او به حال ما سودی بخشد، یا او را به فرزندی بگیریم. به هر روی، حوادث به گونه‌ای رقم خورد که مادر موسی دایه او شد و او را در دربار فرعون پرورش داد تا به سن جوانی رسید.

روزی موسی از قصر فرعون بیرون آمد و برایش ماجراهایی پیش آمد که مجبور شد از مصر بگریزد و به سوی سرزمین مدین حرکت کند. در آنجا با یکی از دختران حضرت شعیب ازدواج نمود؛ مشروط بر آنکه هشت سال و در صورت تمایل ده سال را در خدمت حضرت شعیب علیه السلام باشد.

او پس از ده سال اقامت در مدین تصمیم گرفت آنجا را به قصد مصر ترک گوید. در بین راه آتشی دید و وقتی نزد آتش آمد، از سمت راست بیابان از درختی ندا داده شد: «ای موسی! من پروردگار جهانیانم. من تو را به پیامبری برگزیدم و به آنچه وحی می‌شود،

۱. حسین توفیقی، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۷۲؛ عبدالرحیم سلیمانی، *یهودیت*، ص ۱۸.

گوش فرا ده.» خداوند دو معجزه ازدها شدن عصا و ید بیضا را در اختیار او نهاد تا به کمک آن‌ها رسالت خود را به فرجام رساند. حضرت موسی علیه السلام بر آن بود تا هم فرعون و پیروان او را به خداپرستی بخواند و هم بنی اسرائیل را از ستم فرعون برهاند و به سرزمین موعود ببرد. در این راه حضرت موسی علیه السلام از خدا خواست برادرش هارون را نیز با او همراه کند. خداوند نیز درخواست موسی علیه السلام را پذیرفت و هر دو را به پیامبری برگزید. حضرت موسی و برادرش هارون، فرعون را به خداپرستی خواندند و برای اثبات صحت ادعای پیامبری خود به معجزه متوسل شدند، اما فرعون سخن آنان را نپذیرفت و مدعی شد که این سحری آشکار است. او ساحران را برای خستی کردن معجزه حضرت موسی علیه السلام گرد آورد، اما آن‌ها موفق نشدند و چون ضعف خود را در برابر معجزات او دریافتند، به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.

هنگامی که فرعون از حيله‌های خود طرُفی نبست، بر آن شد تا موسی علیه السلام را به قتل رساند و پیروان او را شکنجه کند. خداوند نیز چندین بار فرعونیان را به عذاب‌های مختلف نظیر قحطی و کم شدن میوه‌ها، طوفان، هجوم ملخ‌ها و تبدیل شدن آب‌ها به خون دچار کرد. اما هر بار که عذاب بر آنان فرودمی آمد، می گفتند: ای موسی! خدا را به خاطر آن عهدی که پیش تو دارد، بخوان و هرگاه بلا را از ما برطرف کند، به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را آزاد می سازیم، اما هرگز به قول خود عمل نکردند. پس از تصمیم فرعون، خدا به موسی علیه السلام دستور داد شبانه بنی اسرائیل را از مصر حرکت دهد تا از دریا عبور کنند و دست فرعونیان از آنان کوتاه شود. موسی به همراه بنی اسرائیل حرکت کردند و در طلوع آفتاب به ساحل دریا رسیدند. فرعون که از حرکت بنی اسرائیل آگاه شد، با تمام قدرت آنان را تعقیب کرد. هنگامی که سپاه فرعون به بنی اسرائیل نزدیک شد، خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد عصای خود را به دریا زند. حضرت موسی علیه السلام نیز چنین کرد و دریا شکافته شد و خشک گردید و بنی اسرائیل به آسانی از آن عبور کردند. هنگامی که فرعونیان خواستند از این راه بگذرند، امواج آب آن‌ها را فراگرفت و همگی غرق شدند. فرعون به هنگام غرق شدن اظهار ایمان کرد، ولی ایمان او سودی نبخشید و جسد بی جان او عبرتی برای آیندگان نگردید.

قوم بنی اسرائیل پس از سال‌ها محنت و سختی، استقلال و آزادی خود را به دست آوردند و در سرزمین موعود سکنی گزیدند و خداوند نیز آنان را مشمول رحمت و نعمت‌های فراوان خود قرار داد؛ تا جایی که ابرها را سایبان آنان قرار داد و مَن و سلوی

(مرغ بریان و ترنجبین) را برای آن‌ها مهیا ساخت. در این هنگام، موسی علیه السلام از جانب خداوند مأموریت یافت سی شبانه‌روز از قوم خود جدا شود و در جایگاه خاصی به نام طور اقامت گزیند. از این‌روی، او برادرش را جانشین خود قرار داد. بعد از اتمام سی شب دستور آمد که ده روز دیگر باید در میقات بمانی. سرانجام چهل شبانه‌روز در آنجا ماند و الواح (تورات) را دریافت کرد و به سوی قوم خود بازگشت.

از آنجا که غیبت موسی طولانی شد، فردی به نام سامری با سوءاستفاده از جهالت و پیشینه بت‌پرستی بنی‌اسرائیل، از زر و زیور آنان گوساله‌ای زرین ساخت که صدایی نیز از آن خارج می‌شد و بدین ترتیب مردم را به پرستش و عبادت آن دعوت کرد. راهنمایی‌های هارون نیز سودی نبخشید و بنی‌اسرائیل که در عقیده خود ضعیف بودند، به گوساله‌پرستی روی آوردند. هنگامی که موسی در طور سینا بود، پروردگار او را از مکر سامری و سرگذشت قوم بنی‌اسرائیل آگاه ساخت. موسی پس از پایان اقامت در طور، اندوهناک و خشمگین به سوی قوم خود بازگشت.

وی ابتدا هارون را مورد ملامت قرار داد. هارون در پاسخ گفت: «ترسیدم که میان بنی‌اسرائیل تفرقه افتد. همچنین بنی‌اسرائیل در غیاب تو مرا ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند. از این‌رو مرا رها کن و دشمنانم را شاد مکن و مرا در شمار ستمگران قرار مده.»

هنگامی که خشم موسی علیه السلام فرو خوابید، الواح را که مایه هدایت و رحمت بود، برداشت و متوجه قوم خود شد و آنان را ملامت نمود و به آن‌ها گفت: آیا خدا به شما وعده نیکو نداد؟ چرا صبر نکردید؟ بنی‌اسرائیل در جواب گفتند که ما به اختیار خود عهدشکنی نکردیم. سرانجام بنی‌اسرائیل توبه نمودند و از خدا طلب آمرزش کردند و خداوند نیز توبه آنان را پذیرفت. اما سامری که عامل این انحراف بود، به عذاب اخروی وعده داده شد و در دنیا نیز گرفتار عذاب الهی گشت و به مرضی مبتلا شد که از دیدار مردم وحشت می‌کرد. حضرت موسی علیه السلام گوساله او را سوزاند و باقیمانده آن را به دریا افکند.

خداوند برای تکمیل نعمت و احسان خود بر قوم بنی‌اسرائیل، به موسی علیه السلام وحی کرد که آنان را به سرزمین مقدس و موعود فلسطین ببرد. اما چون بنی‌اسرائیل سال‌ها به زندگی ذلت‌بار خو کرده بودند و ورود به آن سرزمین نیز با مشقت‌هایی همراه بود، به موسی علیه السلام گفتند که در آن سرزمین قومی ظالم زندگی می‌کند و ما هرگز به آن شهر

نمی‌رویم، مگر آنکه آن‌ها این شهر را ترک گویند. حتی دو نفر از بنی‌اسرائیل که ایمان قوی‌تری داشتند، آن‌ها را ترغیب کردند تا به آن سرزمین مقدس بروند، اما سودی نبخشید. در نهایت به موسی علیه السلام با درشت‌گویی گفتند: «ای موسی! تا هنگامی که ساکنان سرزمین مقدس در آنجا هستند، ما به شهر وارد نمی‌شویم. تو و پروردگارت بروید و بجنگید؛ ما در اینجا نشسته‌ایم.» در این حال موسی ناامید شد و فرمود: «خدایا! بین ما و فاسقان حکم کن و ما را از آن‌ها جدا ساز.» دعای حضرت موسی علیه السلام مستجاب شد و خطاب آمد که این جمعیت از ورود به این سرزمین - که سرشار از مواهب مادی و معنوی است - محروم‌اند و باید چهل سال در این بیابان سرگردان بمانند تا نسلی دیگر بتواند این سرزمین مقدس را فتح کند. در تورات نقل شده است که موسی علیه السلام در سن ۱۲۰ سالگی در مکانی به نام موآب، در حوالی دریای میت درگذشت و بنی‌اسرائیل سی‌روز برای او عزاداری کردند. قبر او تا به امروز مخفی است. البته بعدها یوشع بن نون بیت‌المقدس را فتح کرد.^۱

پیدایش صهیونیسم و تأسیس دولت اسرائیل

یهودیت تبلیغ ندارد؛ زیرا یهودیان دین خود را نعمتی الهی می‌دانند که تنها از آن نژاد بنی‌اسرائیل است. با این وصف، اگر کسی یهودی شود، او را می‌پذیرند. یهودیان معمولاً مردم را به صهیونیسم فرا می‌خوانند. البته برخی از یهودیان، با صهیونیسم مخالف‌اند. «صهیون» نام تپه‌ای است در اورشلیم که در زمان شکوفایی دولت بنی‌اسرائیل در عصر داود و سلیمان مرکز نظامی بوده است. این نام همواره یادآور دوران اقتدار آن قوم است. صهیونیسم عنوان جنبشی است که طرفدار بازگشت یهودیان به فلسطین و ایجاد کشوری ویژه بنی‌اسرائیل در این سرزمین است. بنیانگذار این نهضت در عصر جدید، فردی یهودی به نام تئودور هرتزل (۱۸۶۰ - ۱۹۰۴) است.

در اواخر قرن نوزدهم گروه بزرگی از یهودیان روسیه اخراج شدند. گروهی از آنان در غرب اروپا ساکن شدند و عده‌ای نیز به فلسطین رفتند. با ایجاد نهضت صهیونیسم و تشویق یهودیان برای بازگشت به فلسطین، دولت انگلستان در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه‌ای

۱. بنگرید به: اعراف (۷): ۱۶۰ - ۱۰۲؛ قصص (۲۸): ۴۳ - ۱؛ طه (۲۰): ۹۹ - ۹؛ جعفر سبحانی، منشور جاوید (تجزیه و تحلیل از زندگانی پیامبران خدا از حضرت شعیب تا حضرت موسی)، ج ۱۲، ص ۲۶۱ - ۲۵؛ عبدالله جوادی‌آملی، سیره پیامبران در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ص ۱۰۹ - ۹۸.

معروف به «بالفور» موافقت خود را مبنی بر تأسیس حکومت مستقل یهودی در منطقه فلسطین اعلام کرد. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ به بهانه فشارهایی که نازی‌های آلمان بر یهودیان وارد کرده بودند، سازمان ملل متحد رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و ایجاد کشوری یهودی‌نشین دارد و در سال ۱۹۴۸ کشور مستقل اسرائیل اعلام موجودیت کرد.

صهیونیست‌ها بی‌توجه به مهمان‌نوازی مسلمانان فلسطین که آن‌ها را با گرمی پذیرفته بودند، با قساوت‌آمیزترین شیوه آن سرزمین را اشغال کردند و پس از چندی بخش‌هایی از کشورهای اسلامی همسایه را نیز غصب و ضمیمه کشور صهیونیستی نمودند. این در حالی است که تورات، یهودیان را از طمع ورزیدن به اموال و املاک همسایه برحذر داشته و کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد ملعون دانسته است.^۱

پیدایش و فرجام مسیحیت

حضرت عیسیٰ (علیه السلام) از بزرگ‌ترین پیامبران الهی است که دارای کتاب آسمانی و شریعت و معجزات بسیاری بوده است. او از مادری پاکدامن و باتقوا به نام مریم زاده شد. پدر و مادر مریم، عمران و حنه نیز پاکدامن و بافضیلت بودند. مادر مریم زنی نازا بود و همواره از خدا می‌خواست فرزندی به او عنایت کند، از این رو نذر کرده بود اگر خدا به او پسری عطا کند، او را خادم و خدمتگزار حرم بیت‌المقدس گرداند. خداوند نیز دعای او را استجابت کرد، ولی به جای پسر، دختری به او عطا کرد که او را مریم نام نهادند. به هنگام تولد مریم، پدرش عمران از دنیا رفته بود. مادر در این اندیشه بود که شاید دختر نتواند همانند پسر خدمتگزار حرم شود، اما سرانجام تصمیم گرفته شد که مریم خدمتگزار حرم گردد. متولیان حرم در تکفل و سرپرستی این فرزند باهم اختلاف داشتند؛ چرا که پدر مریم در بین خادمان، مقامی والا و ارجمند داشت و پیشوای آنان بود و هر یک از خادمان می‌خواستند افتخار سرپرستی فرزند او نصیب آنان شود. سرانجام تصمیم گرفتند به قرعه متوسل شوند و بدین ترتیب قرعه به نام زکریا افتاد.

زکریا به‌خوبی از مریم مراقبت می‌کرد، ولی هرگاه به محل عبادت مریم وارد می‌شد، غذای او را آماده می‌دید. وی که از دیدن این منظره به شگفت آمده بود، از مریم

۱. سفر خروج، ۱۷/۲۰؛ سفر تثنیه، ۵/۲۱، ۱۷/۲۷؛ حسین توفیقی، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۱۰۸.